

بازشناسی عوامل زمینه‌ساز پیدایی و گرایش به جریان مدعی یمانی در کشور عراق با نگاهی به فقه نظام

علی کارشناس^۱

چکیده

در بررسی جریان‌های انحرافی، اولاً، پیدایی جریان‌ها و ثانیاً، گرایش مردم به آن‌ها، از اهمیت بسزایی برخوردار است. هدف پژوهش حاضر، تبیین عوامل زمینه‌ساز پیدایی و گرایش به جریان مدعی یمانی در کشور عراق با نگاهی به فقه نظام است. روش پژوهش «توصیفی-تحلیلی» با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و فضای مجازی است. یافته پژوهش آن است که راهکار مقابله با جریان مدعی یمانی، توجه به فقه نظام سیاسی، فقه نظام اقتصادی، فقه نظام فرهنگ در حوزه علمیه نجف اشرف و گذار از اندیشه فقه فردی به سوی فقه نظام اجتماعی با همه گرایش‌های آن است. همچنین توجه به این نکته ضروری است که ایجاد تشکیلات موازی توسط جریان احمداسماعیل، با نظریه فقه نظام مغایر است. از سوی دیگر، مرز میان تفکر سکولار و فقه نظام، همانا قابلیت جمع میان فقه فردی و تفکر سکولار است؛ چرا که وجه اشتراک این دو، جدایی دین از سیاست است؛ در حالی که در فقه نظام، هیچ دوگانگی بی میان دین و سیاست وجود ندارد؛ بلکه سیاست جزئی از دین است. بر این اساس تمسک به آرای عمومی بر عرف عقلا و سیره عقلا مبتنی است و با عرفی شدن دین که زاییده حاکمیت نگرش سکولار به دین است، تفاوتی بنیادین دارد.

واژگان کلیدی: جریان، مدعی یمانی، عوامل زمینه‌ساز، عوامل گرایش، عراق، فقه نظام.

۱. استادیار گروه فقه و حقوق پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، ایران، قم.

مقدمه

بی‌تردید، جامعه عراق، جامعه‌ای یکدست و منسجم نیست و طیف‌های مختلف مذهبی-قومی-سیاسی را شامل است. شیعیان، اهل سنت، کردها و ترکمان‌ها چهار طیف اصلی جامعه عراق هستند که در میان‌شان گرایش‌های مختلف مذهبی و سیاسی به چشم می‌خورد. از سوی دیگر، عراق، انباشتی از ناکامی‌های سیاسی را تجربه کرده است؛ از کودتا، استبداد، ایدئولوژی‌های تمامیت‌خواه و حکومت‌های ناکارآمد تا جنگ با همسایگان، شکست‌های تحقیرآمیز بین‌المللی، تحریم‌های سخت، اشغال، جنگ داخلی و حتی افتادن به دام یک گروه تروریستی مسلح چون داعش که نتیجه مشترک تمامی این رویدادها و ناکامی‌ها، بدتر شدن وضعیت زندگی مردم عراق و ایجاد بحران‌های سیاسی بوده است (کارشناس، ۱۴۰۰ الف: ص ۲۱۰-۲۱۹). ناکارآمدی نظام سیاسی و ضعف احزاب سیاسی عراق نیز به بحران سیاسی در این کشور دامن زده است؛ بنابراین، عراق از نظر سیاسی، در وضعیت شکننده‌ای قرار دارد و زیرساخت‌های کشور ویران و گام‌های اساسی برای بازسازی این زیرساخت‌ها انجام نگرفته است. سیستم پارلمانی عراق و احزاب سیاسی، به شدت درگیر کسب قدرت ناکارآمدی سیستم سیاسی کشور است؛ از جمله عدم نمایندگی مطالبات معترضان؛ فقدان روش پایداری برای حل مشکلات و قدرت بیش از حد شبکه‌های مجازی و ماهواره‌ای در شروع تظاهرات و اطلاع‌رسانی (ابطحی و ترابی، ۱۳۹۴: ص ۵۳-۸۱). جریان مدعی یمانی با بهره‌برداری از اوضاع شکننده سیاسی عراق به تبلیغ جریان خویش اقدام کرده است.

در بحث راجع به یک موضوع، دو جنبه مهم از آن قابل دستیابی است: نخست، توصیف و تشریح آن پدیده^۱ و دوم، تبیین علل زمینه‌ساز پیدایی و گرایش به آن.^۲ این مقاله تنها در صدد تبیین علل زمینه‌ساز پیدایی و گرایش به جریان مدعی یمانی از منظر فقه نظام است.

در پژوهش حاضر با این پرسش مواجه‌ایم که عوامل زمینه‌ساز پیدایی و گرایش جریان مدعی یمانی در عراق با رویکرد فقه نظام چیست؟

1. Discription.

2. Expanation.

فرضیه مقاله آن است که از جمله عوامل زمینه‌ساز پیدایی جریان مدعی یمانی در عراق، ویژگی‌های خاص جامعه عراق از حیث ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. همچنین عوامل زمینه‌ساز گرایش جریان مدعی یمانی در عراق، حاکمیت نگرش سکولار در عراق، کمک به قشرهای ضعیف جامعه عراق است.

در زمینه عوامل زمینه‌ساز پیدایی جریان احمداسماعیل و گرایش به آن در کشور عراق، تاکنون اثر مستقل و نظام‌مندی تدوین نشده است؛ ولی کتاب «الشُّهُبُ الاحمدية علی مدعی المهدویة؛ دعوة احمدالحسن فی المیزان»، نوشته شیخ احمد سلمان پس از توضیحی در مورد دعوت احمداسماعیل، به نقد ادعاهای وی می‌پردازد. کتاب «الرَّدُّ القاصم لِذَعْوَةِ الْمُفْتَرَى عَلَی الْإِمَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى»، نوشته شیخ علی آل محسن نیز به نقد تفصیلی جریان یمانی می‌پردازد. مقاله امیرمحسن عرفان در فصلنامه انتظار موعود با عنوان «عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان» (عرفان، ۱۳۸۸: ص ۱۴۵-۱۷۴)؛ به تبیین عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان به طور عام و نه با پردازشی خاص به جریان مدعی یمانی نیز می‌پردازد. بر این اساس، پژوهش حاضر، نوآورانه است؛ همچنین رویکرد پژوهش حاضر بر فقه نظام مبتنی است که در واقع نقد آرای مدعی یمانی در زمینه ایجاد حکومت اسلامی در عصر غیبت به شمار می‌آید.

۱. ادبیات نظری تحقیق

پی بردن به مفاهیم اصلی به کار رفته در تحقیق، سنگ بنای القای درست مطالب است. از این رو، به تبیین مفهوم جریان و فقه نظام پرداخته می‌شود:

۱-۱. جریان

«جریان»، از ریشه «جَزَى» و به معنای جاری ساختن و مشی کردن است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۶، ص ۱۷۴؛ ابن عباد، ۱۴۱۴: ج ۷، ص ۱۷۵ و زمخشری، ۱۹۹۷: ص ۹۱) و در اصطلاح تشکّل، جمعیت و گروه اجتماعی معینی است که علاوه بر مبانی فکری، از نوعی رفتار ویژه اجتماعی برخوردار است (خسرو پناه، ۱۳۸۸: ص ۹-۱۰). برخی نویسندگان، جریان را حرکت مستمر

نظام‌مند بی‌وقفه می‌دانند. بر این اساس، شناخت ابعاد مختلف حرکت یک جنبش از آغاز تا پایان، «جریان‌شناسی» نامیده می‌شود (آرشیو افاق نقد فرق انحرافی مرکز تخصصی مهدویت). به عبارت دیگر، طبقه بندی، علل پیدایش، علل گرایش مردم، جامعه هدف مدعیان، ترفندها، شگردها و روش تبلیغ، کارگزاران و عوامل (تأسیس‌کننده، تبیین‌کننده، ترویج‌کننده)، خاستگاه (جغرافیایی، فکری و اعتقادی)، بررسی دیدگاه‌های کلامی و فقهی، بررسی پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، اعتقادی، سیاسی و امنیتی را جریان‌شناسی یک جنبش و حرکت می‌نامند (همان). جریان دارای سه ویژگی «اجتماعی بودن»، «دارا بودن تشکّل و جمعیت»، «برخورداری از اندیشه مشخص و رفتار معین مرتبط با آن» است (همان، ص ۱۰). تعریف مختار در زمینه جریان عبارت است از: حرکت نظام مندی که بر عقبه فکری منسجم مبتنی باشد.

۲-۱. فقه نظام

«فقه نظام»، فقه بررسی نظامات دینی است؛ زیرا فقه به دو بخش یعنی فقه خرد یا فقه فردی و فقه مسائل کلان (فقه نظام) تقسیم می‌شود. فقه نظام، فقهی است که در زمینه ساحت‌های کلان اجتماعی، اعم از سیاست، اقتصاد و فرهنگ به فقاقت می‌پردازد. در حقیقت، فقه نظام، فقه نظام‌ساز است که متکفل رفع نیازهای فقهی نظام اسلامی در بعد کلان است. بر اساس نظریه فقه نظام، این فقه متکفل استنباط نظامات اجتماعی است. فقه نظام یعنی فقهی که متکفل کشف نظامات اجتماعی از منظر شریعت در عرصه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. در حقیقت فقه نظام، احکام مکلف کلان را تعیین می‌کند و حکومت، یعنی مجموعه حاکم و کسانی که به امر آن حاکم زندگی خود را نظم می‌دهند و نظم زندگی آن‌ها به وسیله آن حاکم انجام می‌گیرد.

۲. عوامل زمینه‌ساز پیدایی جریان مدعی یمانی

«احمد بن اسماعیل بن صالح الصّیمری الشّویلمی البصری الحلفی»، ملقب به «احمد الحسن» در سال ۱۹۶۸ میلادی (۱۳۸۷ق) در منطقه‌ای بنام «هَوَیر» از توابع «زُبَیر» از استان بصره متولد شد. وی در جولای سال ۲۰۰۲ میلادی (جمادی الاول ۱۴۲۳ق) دعوت خود را در شهر نجف اشرف



آغاز کرد (انصاری، بی تا: ص ۳۶) و ابتدا خود را «یمانی» نامید. پس از مدتی، مدعی سفارت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَ الشَّرِيفِ و آن گاه مدعی فرزندی امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَ الشَّرِيفِ شد (کورانی عاملی، ۱۳۹۱: ص ۲۰). این پدیده در سال‌های پایانی حاکمیت صدام رخ داد. احمداسماعیل پس از سقوط صدام، با کمک برخی از باقی مانده‌های رژیم بعث از جمله برادرش - که از افسران بعثی به شمار می‌رفت - تشکیلات وسیعی را در مناطقی همچون نجف، کربلا، ناصریه، بصره و میسان (العماره) به راه انداخت (الخیون، ۲۰۱۲: ص ۵۷۶-۵۹۰).

شناخت عوامل زمینه‌ساز پیدایی جریان احمد اسماعیل، نیازمند تحقیقی عمیق در ابعاد گوناگون این مسئله است. به طور کلی عوامل زمینه‌ساز پیدایی ادعای احمد اسماعیل در کشور عراق، در چند محور قابل پیگیری است: نخست، ویژگی‌های خاص جامعه عراق و دوم، تأثیر نگاه خاص صدر ثانی به نشانه‌های ظهور. توضیح هر یک از عوامل زمینه‌ساز به شرح زیر است:

۱-۲. ویژگی‌های خاص جامعه عراق

جامعه عراق، طی دهه‌های گذشته تاکنون با بحران‌ها و چالش‌های مختلفی از جمله چالش تجزیه از منظر متغیرهای داخلی رو به رو بوده است و این بحران‌ها، آن را به کشوری تبدیل کرده است که در روابط بین الملل از آن به عنوان «دولت شکننده» یاد می‌شود (کارشناس، ۱۴۰۰ الف: ص ۲۹۱). حضور همه جانبه امریکا و طرح تجزیه عراق توسط بایدن، پرورش نسل آینده رهبران عراق توسط امریکا در قالب برنامه «الیپ» - که در آن، در هر دوره ۵۲ نوجوان عراقی تحت آموزش‌های فسادانگیز امریکا به دور از نظارت والدین و دولت عراق، آموزش می‌بینند - و نیز مداخله منفی و مخرب برخی کشورهای منطقه در مسیر بی‌ثبات کردن عراق و نیز گرایش‌های واگرایانه کردها؛ از مهم‌ترین علل بحران در جامعه عراق است (همان). جریان مدعی یمانی با بهره برداری از اوضاع شکننده سیاسی عراق به تبلیغ جریان خویش اقدام کرده است. در ادامه به ویژگی‌های خاص جامعه عراق از ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که سبب پیدایی جریان مدعی یمانی شده است؛ پرداخته می‌شود:

۱-۱-۲. ساختار سیاسی جامعه عراق

ساختار قومی مذهبی و نژادی چندپاره عراق، همراه با وجود تاریخی حکومت‌های خودگردان،

باعث معماهای امنیتی مختلفی در عراق شده است و این نادیده انگاشتن ساختار اجتماعی و فقدان مبانی هویت ملی و نبود یکپارچگی اجتماعی و به عنوان یکی از ضعف‌های اساسی عراق همواره وجود دارد (ر.ک. رستمی و سفیدی، ۱۳۹۵: ص ۸۳-۱۱۱). برای نمونه استقلال طلبی کردها از دولت مرکزی عراق، بیش‌ترین تأثیر را بر تجزیه عراق داشته است.

از دیگر سو، شکل نگرفتن هویت جمعی برای سامان سیاسی دولت‌ها، به حدی مهم است که از آن به عنوان یکی از مهم‌ترین زمینه‌های ایجاد بحران برای دولت‌ها در عراق یاد می‌شود. عراق از زمان شکل‌گیری در سال ۱۹۲۱ میلادی (۱۳۳۹ق) تا کنون یکی از کشورهایی است که با این مشکل روبه‌رو بوده است. ساختار سیاسی و واقعیات اجتماعی، این کشور را به سمتی سوق داده است که از دولت‌های پادشاهی تا حکومت‌های دیکتاتوری و حتی در سیستم دموکراتیک امروزی عراق این مشکل یکی از زمینه‌های بحران‌زا به شمار می‌رود (ر.ک. یزدانی و شیخ حسینی، ۱۳۹۲: ص ۲۱۷-۲۳۵).

از این رو، فقدان حکومت منسجم در عراق و ایجاد مشکلات امنیتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای مردم در این کشور، سبب پیدایی جریان احمداسماعیل در عراق شده است. احمداسماعیل با سوء استفاده از ضعف‌ها و مشکلات عراق، تشکیلات وسیعی به راه انداخت. تشکیلات وی در شهرهای نجف، کربلا، ناصریه و بصره متمرکز است. وی با تشکیل لجنه‌های مختلف، جریان خود را سامان داد. این لجنه‌ها عبارتند از: لجنه علمی، لجنه دینی، لجنه امنیتی، لجنه اطلاع رسانی، لجنه مالی و لجنه نظامی (آرشیو اتاق نقد فرق انحرافی مرکز تخصصی مهدویت).

این لجنه‌ها به منزله دولت موازی در جامعه عراق نقش ایفا می‌کردند تا مردم عراق را از سکولار حاکم بر کشور عراق دور سازند. همین امر با توجه به اشتیاق مردم عراق به نظام سیاسی مبتنی بر اسلام، مسئله انتظار و مهدویت، سبب جذابیت جریان مدعی یمانی برای آنان گردید و برخی از آنان جذب این جریان شدند.

۲-۱-۲. ساختار اقتصادی جامعه عراق

کشور عراق به لحاظ ژئوپلیتیک جایگاه مهمی در منطقه غرب آسیا دارد و به لحاظ بافت



انسانی و اشتراکات دینی و فرهنگی، از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ به طوری که استقرار یا عدم استقرار اوضاع سیاسی، امنیتی و اقتصادی این کشور می‌تواند، بر منطقه غرب آسیا تأثیر مستقیم و غیرمستقیم داشته باشد (ر.ک. کرسی آزاد اندیشی «بحران عراق؛ ۲۱ آبان ۱۳۹۸). عراق از منظر اقتصادی، کشوری است که چهارمین ذخیره نفت جهان را در اختیار دارد؛ با این حال ۲۲ و نیم درصد از جمعیت ۴۰ میلیونی‌اش، فقیر هستند. بر اساس اعلام بانک مرکزی عراق، این کشور با ۷۱ میلیارد دلار بدهی (۴۲ میلیارد بدهی داخلی و ۲۹ میلیارد بدهی خارجی) مواجه است (همان).

انتظار افزایش فرصت‌های اقتصادی و شغلی و ریشه‌کن کردن فساد گسترده در سطح کشور، از جمله خواسته‌های مردم عراق است. وضعیت بد اقتصادی، ناشی از بیکاری جوانان و سطح درآمد پایین و سطح سواد کم در جامعه عراق (کارشناس، ۱۴۰۰ الف: ص ۲۱۰-۲۱۹)؛ خود عاملی است بر دامن زدن به دیگر بحران‌ها مانند پیوستن به گروهک‌های تروریست یا جریان‌های انحرافی به‌عنوان منبعی برای کسب درآمد و یا تثبیت هویت که هرچ‌ومرج ناشی از اختلافات را دامن می‌زند.

اوضاع اقتصادی عراق، سبب شد که مردم عراق به دنبال راه‌گزینی از این بحران اقتصادی باشند و با توجه به این که اسلام، دارای فقه نظام اقتصادی است و بدیلی از سوی حوزه علمیه نجف در برابر نظام اقتصادی لیبرال معرفی نشده بود؛ عواملی مانند اباحه خمس توسط این جریان در عصر غیبت، سبب جذابیت این جریان برای مردم عراق گردید.

۲-۱-۳. ساختار فرهنگی جامعه عراق

ساختار فرهنگی جامعه عراق از نفوذ خرافات و افراد منحرف، فقدان اندیشه راهبر و فقر فکری در زمینه آموزش‌های مهدویت رنج می‌برد. این عوامل فرهنگی خود زمینه‌ساز پیدایی جریان‌های انحرافی، به ویژه جریان مدعی‌یمانی است:

الف) نفوذ خرافات و افراد منحرف در میان برخی مردم عراق

پس از انتفاضه شیعیان در عراق، صدام که کانون مخالفت و مقابله با خود را حوزه‌های علمیه تشخیص داده بود، تعداد زیادی از جوانان بعثی را که توانایی‌های بالایی در جاسوسی،

سازماندهی، تحلیل و ایجاد آشوب و بلوا داشتند؛ را به عنوان طلبه راهی حوزه‌های علمیه کرد. از جمله این افراد «ضیاء عبدالزهره الکرعاوی» و نیز «احمداسماعیل بصری» بودند. «ضیاء عبدالزهره الکرعاوی» که افسری بعثی به شمار می‌رفت، دوره‌های آموزش مُرتاضی را در هند سپری کرده بود و پس از انتفاضه در میان طلبه‌های حوزه علمیه نجف و سایر شیعیان زندانی حضور یافت. وظیفه او، بیان اخبار و اطلاعات زندانیان شیعی برای دستگاه استخبارات عراق بود. «ضیاء عبدالزهره الکرعاوی»، با ترفند پیشگویی و تعبیر خواب با همکاری دستگاه‌های بعثی، گروهی را جذب خود ساخته و بعد از سقوط صدام و آزادی از زندان، گروهک «جند السماء» را تأسیس کرد و با ادعای مهدویت با احمداسماعیل همراه و متحد شد (کارشناس، ۱۴۰۰ب: ص ۷۲).

احمد اسماعیل نیز به همراه برادرش - که از افسران رژیم بعث به شمار می‌رفت - در اواخر حکومت صدام از سوی دستگاه استخبارات عراق، مأموریت یافت تا با نفوذ در حوزه علمیه شهید آیت‌الله سیدمحمد صدر، اخبار حوزه را برای استخبارات رژیم صدام بیان کند؛ احمداسماعیل و ضیاء عبدالزهره الکرعاوی در سال ۲۰۰۷ میلادی (۱۴۲۸ق) تصمیم گرفتند در یک عملیات نظامی، یک هزار و ۲۰۰ نفر از مراجع، علما و روحانیان نجف را به قتل برسانند؛ اما عملیات آن‌ها فاش و محل تجمع آن‌ها بمباران گردید که در این حمله بیش از دو هزار نفر از اعضای این گروه‌ها، از جمله ۲۰۰ نفر از پیروان احمداسماعیل کشته شدند. دومین عملیات نظامی این جریان پس از عملیات ناموفقشان در نجف رخ داد. این جریان تلاش داشت که در روز تاسوعا طی عملیاتی به رهبری سید حسن الحمّامی، شهرهای نجف، کوفه، بصره و ناصریه را تصرف کند و مراجع و علمای این شهر را به قتل برساند که این عملیات به جز در شهر بصره که به صورت ناقص اجرا شد، ناموفق ماند و عوامل آن، همچون سید حسن حمّامی دستگیر شدند (کورانی عاملی، ۱۳۹۱: ص ۱۲-۱۹). این مسئله دارای پیشینه تاریخی نیز بوده است. برای نمونه سیدمحمد بن فلاح مشعشع - در عهد ابن فهد حلی - پس از دستیابی به کتاب علوم غریبه و عجیبه و کرامات مهیبه ابن فهد حلی به برخی رموز و اسرار غیبی آگاهی یافت و ادعای نیابت از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را مطرح نمود که ابن فهد حلی نیز فتوای قتل وی را صادر کرد (شیبی، ۱۹۶۳: ص ۲۷). از سوی دیگر، بر اساس منابع موثق، ۲۴ تشکل ماسونی، تفکرات



انحرافی این جریان را در عراق ترویج می‌کنند (کارشناس، ۱۴۰۰ الف: ص ۲۰۸). از این رو، خرافه‌گرایی و جذابیت پیشگویی و کارهای خارق‌العاده از سویی و وجود تشکل‌ها و افراد منحرف و جوئی نام از سوی دیگر، زمینه فرهنگی را برای گرایش به احمداسماعیل، هموار ساخت؛ چرا که فقه نظام فرهنگ که از اجزای فقه نظام است برای مردم عراق، تبیین نشده بود.

ب) خلأ فکر و اندیشه راهبر

فقدان شخصیت‌های اندیشه‌ساز و فرهنگ‌ساز برای جوانان عراق، سبب بروز خلأ فکری بزرگی در میان آنان شده است؛ جریان یمانی نیز از این خلأ فکری برای القای گفتمان باطل خود سوء استفاده کرده است. همچنین سطح فرهنگی پایین در جامعه عراق و شیوع جهل و بی‌سوادی در کنار رشد و گسترش رسانه‌های ویرانگر غربی سبب پیدایش جریان انحرافی یمانی شده است؛ به گونه‌ای که اکنون بیش از ۱۲۰۰ شبکه ماهواره‌ای در عراق به ترویج سکولاریسم و بی‌دینی مشغول هستند (ر.ک. اکبری، ۱۳۸۹: ص ۱۵۹). بر این اساس، خلأ فکر و اندیشه راهبر، زمینه جذب برخی افراد ساده لوح و برخی خواص را مساعد ساخت.

ج) فقر فکری در زمینه آموزه‌های مهدویت

در بستر نادانی و ناآگاهی، حق و باطل در هم می‌آمیزند و این بستر، تشخیص مصادیق حق و باطل را برای مردم دشوار می‌سازد (عرفان، ۱۳۹۲: ص ۸۰-۸۱). جهل و ناآگاهی مردم نسبت به مهدویت نیز، سبب مهیا شدن بستر فعالیت برای مدعیان عرصه مهدویت شده است. مقوله منجی، موعود و آخرالزمان نیازمند مطالعات تخصصی است؛ زیرا در گستره تاریخ، مدعیان دروغین مهدویت از نبود اطلاعات کافی در این زمینه بیش‌ترین سوء استفاده را کرده‌اند. یکی دیگر از عوامل زمینه‌ساز، نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه است. وقتی که گسست‌های اجتماعی در جامعه‌ای فعال شود و مردم در چالش‌های اقتصادی باشند، زمینه فعالیت مدعیان دروغین مهدویت فراهم می‌شود. نجات‌باوری و گرایش به منجی در فطرت همه انسان‌هاست. بنابراین، در اوضاع نابسامان اجتماعی و اقتصادی فرهنگی گرایش به منجی چند برابر می‌شود و این گرایش زمینه را برای پذیرش ادعای دروغ مهدویت فراهم

می‌کند. استعمارگران نیز برای گسترش دامنه و حوزه قدرت خود در سرزمین‌های اسلامی و به ویژه کشور عراق، با بدعت گذاری و بنیان نهادن فرقه‌های ضالّه و مذاهب ساختگی در برابر فرهنگ اصیل شیعی، زمینه سازی رشد و ترویج آن‌ها را در رأس برنامه‌های خویش قرار داده‌اند (کارشناس، ۱۴۰۰ الف: ص ۱۶۹). جریان مدعی یمانی نیز با استفاده از جهل معرفتی مردم در مورد مبانی مهدویت و نشانه‌های ظهور به تبلیغ وسیع و گسترد، افکار انحرافی خود با بهره‌گری از حمایت همه جانبه استکبار و صهیونیسم بین الملل دست یافته است.

۲-۲. تأثیر نگاه خاص صدرثانی به نشانه‌های ظهور

احمداسماعیل و تنی چند از مدعیان مهدویت ادعای شاگردی مدرسه صدرثانی را داشتند و به دلیل فقدان فهم صحیح نسبت به آموزه‌های مهدوی؛ مدعی تأثیرپذیری از نگرش خاص ایشان نسبت به شرایط و علائم و نشانه‌های ظهور بودند. از دیدگاه شهید سیدمحمد صدر، شرایط و علائم و نشانه‌های ظهور، حتمی الوقوع هستند؛ زیرا در غیر این صورت، تخلف شرط از مشروط و علامت از نشانه بودن لازم می‌آید که امری باطل است (صدر، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۳۹۵). بر این اساس، احمداسماعیل که تحصیلات ناقص حوزوی داشت، یکی از نشانه‌های ظهور یعنی ظهور سیدیمانی را دستاویز قرار داد و ابتدا مخفیانه و سپس علنی به دعوت انحرافی خویش پرداخت (ذوالفقار، ۲۰۰۵: ص ۱۵۲). سایر مدعیان مهدویت که همزمان ادعای تحصیل در مدرسه صدر ثانی و ادعای مهدویت داشتند عبارت بودند از حیدر مشّت القحطانی (بنک المعلومات الوطنی، ۲۰۰۹: ص ۲)، محمود عبدالرضا لفته الحسنی الصرخی (ذوالفقار، ۲۰۰۵: ص ۲۰۰)، و سیدالممهد الیمانی - رهبر حركة الممهدون المولویه (بنک المعلومات الوطنی، ۲۰۰۹: ص ۱۲). بنابراین، به ادعای مدعیان مهدویت، کتاب «موسوعة الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف»، نوشته شهید سیدمحمدصدر، که به مثابه مانیفست برخی جریان‌های مدعی مهدویت است، در پیدایی جریان مدعی یمانی نیز بی‌تأثیر نبوده است.

۳. عوامل انگیزشی

مقصود از عوامل انگیزشی، شامل عوامل نظری و عملی در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی



است که سبب جذب مردم عراق به جریان مدعی یمانی شده که به شرح زیر است:

۳-۱. عوامل انگیزشی در بعد سیاسی

احمداسماعیل با طرح برخی اندیشه‌های سیاسی تلاش کرد بدنه عوام جامعه عراق را به سوی خود، جذب کند و با فعال ساختن انگیزه‌های آنان نسبت به جریان خود، آنان را در برابر فقها و نیز نظام حاکم بر عراق، قرار دهد. تبیین عوامل انگیزشی جریان مدعی یمانی در بعد سیاسی به شرح زیر است:

۳-۱-۱. نظریه نفی حکومت

احمداسماعیل با طرح ادعای فرزندی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و عصمت خود، فلسفه تشکیل حکومت در عصر غیبت را زیر سؤال برد؛ زیرا به زعم وی، با وجود معصوم، به تشکیل حکومت توسط غیرمعصوم نوبت نمی‌رسد (ر.ک. بصری، ۱۴۳۱ج: ص ۲۳). وی از این رهگذر با نگارش کتاب «حاکمیه الله لا حاکمیه الناس» تلاش کرده است با احیای شعار خوارج در زمینه تشکیل حکومت، یعنی «لا حکم الا لله» مشروعیت تشکیل حکومت در عصر غیبت را زیر سؤال برد و به مقابله با نظریه فقه نظام سیاسی اسلام برخیزد. احمداسماعیل بر این عقیده است که حکومت مبتنی بر رأی مردم باطل است. احمد اسماعیل در اهانتی آشکار به آیت الله سیستانی - مرجع اعلای شیعیان عراق - می‌گوید: «سیستانی و امثال او به این نتیجه رسیده‌اند که قانون را مردم وضع کنند، تعیین حاکم بر عهده مردم باشد و امور مردم بر اساس شورا اداره شود... حکومت از دیدگاه سیستانی از آن شیطان است» (بصری، ۱۴۳۱ج: ۱-۴، ص ۵۰). بر اساس دیدگاه احمداسماعیل، هر گونه حکومت بر اساس رأی و نظر مردم شیطانی است و تنها حکومتی که وی بر رأس آن باشد، حکومتی الاهی به شمار می‌آید!

همچنین احمداسماعیل معتقد است: «این علمای غیر عامل در برآورده ساختن انتظارات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شکست خوردند و به تکذیب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و وصی و رسولش [مدعی یمانی] بسنده نکردند و مردم عراق را از جهاد پیشاروی او بازداشتند؛ آنان علمای ترسو و خیانتکار هستند» (همان). این، در حالی است که نقش بی‌بدیل عالمان دینی در گسترش و تعمیق اندیشه مهدویت قابل انکار نیست.



احمداسماعیل بر این گمان است که یا حکومت‌ها الهی است که تنها مصداق آن، حکومت وی است و یا طاغوت که شامل همه حکومت‌ها، جز حکومت وی است. به باور وی، آیت‌الله سیستانی در عراق، مردم را به سوی حاکمیت مردم، طاغوت و انتخابات دعوت می‌کند (ر.ک. بصری، ۱۴۳۱ج: ۴-۱، ص ۲۲۸).

بر این اساس، احمداسماعیل با دموکراسی و مردمسالاری دینی مخالف است و هر گونه انتخابات و شورا را برای تعیین حاکمان، خلاف سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌داند. از نظر وی، طاغوت‌ها، رهبری امت را از معصومان [احمد اسماعیل] غصب کرده‌اند (بصری، ۱۴۳۱ب: ۲-۱، ص ۱۵۳).

از این رو، بخشی از پیروان جریان مدعی یمانی به جهت مخالفت با نهاد روحانیت و مرجعیت به این جریان انحرافی پیوسته‌اند. اینان مانند وهابیت به رهبران شیعه و مراجع تقلید، ناسزا و دشنام می‌گویند و علما و مراجع را تخطئه می‌کنند. بنابر این، طبیعی است که برخی از کسانی که با این نهاد مشکل دارند، به سمت این جریان گرایش پیدا کنند.

از سوی دیگر، در چند دهه اخیر موضوع حاکمیت دینی و به تبع آن ولایت فقیه، در کشور عراق درست معرفی نشده است و دست‌هایی هم در کار بوده تا این اصل را به گونه‌ای دیگر بنمایانند. در هنگام پدید آمدن این خلأ بزرگ، احمداسماعیل -مدعی یمانی- سفارت، وصایت و فرزندگی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را ادعا کرد و نوک پیکان حمله خویش را ابتدا به سوی مراجع عراق و سپس به سوی ولی فقیه نشانه گرفت؛ با این مغالطه که فلسفه وجودی مراجع و ولی فقیه، غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، در نتیجه اکنون با ظهور وصی و فرزند امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، وجود مراجع معنا ندارد.

۳-۱-۲. مذمت وضعیت سیاسی موجود

مذمت وضعیت سیاسی موجود و حاکمیت نظام مردم سالار دینی و لزوم حاکمیت خدا بر مردمان، از جمله ترفندهای جریان مدعی یمانی است. احمد اسماعیل و یارانش مدعی هستند که هیچ دلیلی بر ولایت فقیه وجود ندارد؛ بلکه تسلط فقیه بر امور حکومتی نوعی بدعت به شمار می‌آید. نشر کتاب و سوء استفاده از احادیث علیه علما و مراجع شیعه، روضه‌های خانگی،



تبلیغات چهره به چهره در اماکن مذهبی و بقاع متبرکه، حضور در مراسم اعتکاف و حتی تبلیغ در خودروهای عمومی، از جمله شیوه‌های تبلیغی این جریان برای القای سیاه‌نمایی در مورد وضعیت سیاسی موجود در جامعه اسلامی عراق است (ر.ک. سایت مکتب احمد الحسن). این جریان ضمن مخالفت با اصل نظام اسلامی و مخالفت صریح با حوزه، نهاد مرجعیت و روحانیت و نیز ادعای مقام امامت برای احمداسماعیل می‌کوشد با استفاده از این حربه برای جذب حداکثری مخاطب بهره‌برداری کند.

احمد اسماعیل معتقد است:

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریع رسول و وصی خود [احمد اسماعیل] را به عراق فرستاد؛ ولی مردم او را استهزا و تکذیب کردند؛ برخی از یاران او را از اهل و عیال رانده، تبعید کردند و برخی را کشتند و اجساد پاک آنان را مُثله (قطعه قطعه) کردند... مردم عراق سزاوار عذاب الهی هستند؛ زیرا هیچ امامی را یاری نکردند و هر گاه امامی آمد؛ او را خوار کرده و کشتند (بصری، ۱۴۳۱ الف: ج ۵، ص ۲۰۵).

احمداسماعیل با مظلوم‌نمایی سعی در برانگیختن حس همدردی مردم عراق به جریان خود را داشت. از این‌رو، در این راه از تهدید و ترساندن مردم عراق نیز دریغ نکرد.

احمد اسماعیل در خطاب به مردم عراق می‌گوید: «شما عراقی‌ها بدقومی برای من بودید؛ از بزرگان‌تان - که تابع آمریکا بودند و با او صلح کردند و دموکراسی آمریکا را تصدیق کردند- پیروی کردید و سرانجام به سقیفه ستمگران، رضایت دادید» (همان، ج ۱، ص ۸۸). این، در حالی است که حکومت مبتنی بر رأی مردم از سوی عالمان دینی عراق، به ویژه مرجع‌اعلی شیعیان - آیت‌الله سیستانی - تأیید شده بود و قیاس انتخابات با سقیفه، قیاس مع الفارق به شمار می‌آید. براین اساس، ضدیت احمداسماعیل با مردم عراق به جهت طرد شدن از سوی جامعه عراق، نمایان می‌گردد. وی با سوء استفاده از عقاید مهدوی تلاش کرده است تا احساسات مردم را برانگیزاند و با خود همراه کند. این ترفند احمداسماعیل به دلیل حاکمیت فقه فردی بر جامعه عراق بود؛ در حالی که در صورت حاکمیت فقه نظام سیاسی اسلام، فضایی برای تنفس جریان احمد اسماعیل پدید نمی‌آمد. در حقیقت مرز میان تفکر سکولار و فقه نظام، همانا قابلیت جمع



میان فقه فردی و تفکر سکولار است؛ چرا که وجه اشتراک این دو، جدایی دین از سیاست است؛ در حالی که در فقه نظام، هیچ دوگانگی میان دین و سیاست وجود ندارد؛ بلکه سیاست جزئی از دین است؛ بر این اساس، تمسک به آرای عمومی مبتنی بر عرف عقلا و سیره عقلا است و با عرفی شدن دین که زاینده حاکمیت نگاه سکولار به دین است؛ تفاوتی بنیادین دارد.

۳-۱-۳. حاکمیت نگرش سکولار در عراق

تحصیل برخی جوانان عراقی در غرب، سبب الهام‌گیری آنان از اندیشه سیاسی غرب گردید و همین جوانان تحصیل کرده در برخی پُست‌های کلیدی عراق پس از سرنگونی صدام، حاکم شدند و نگرش سکولار را در زمینه حکومت داری اتخاذ کردند (ترابی و دیگران، ۱۳۹۳: ص ۸۴)؛ در حالی که با وجود گسترش کم سوادی در عراق، گرایش‌های دینی در میام مردم عراق قوی است. گرایش‌های قوی دینی مردم عراق از سویی و فقدان یک جریان تبلیغی قوی در حوزه علمیه نجف اشرف از سوی دیگر و ادعای حاکمیت دین توسط جریان مدعی یمانی، سبب شد برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس و سفارت‌خانه‌های اروپایی و امریکا از این خلأ سوء استفاده کنند و به نشر افکار و اندیشه‌های انحرافی و ویرانگر از طریق مزدوران خود مانند احمداسماعیل بپردازند (مرکز مطالعات عراق، ۱۳۹۹: ص ۱۱). جریان مدعی یمانی نیز با بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی چون فضای مجازی، شبکه‌های ماهواره‌ای و رادیویی، انتشار وسیع و گسترده کتاب‌های احمداسماعیل و انصار او، انتشار روزنامه، تأسیس دانشگاه و حوزه‌های علمیه متعدّد و شبهه افکنی نسبت به مسلمّات شیعه به میدان آمد (ر.ک. کارشناس، ۱۴۰۰: ص ۳۴۱-۳۴۷) و با طرح نظریه لزوم حاکمیت اسلام به جای نظام سکولار مبتنی بر رأی و دموکراسی، توانست عده‌ای از عوام و برخی خواص جامعه عراق جذب جریان مدعی یمانی گردند. دلیل جذابیت جریان احمداسماعیل، حاکمیت «فقه فردی» به جای «فقه نظام سیاسی» بر ذهن و فکر مردم عراق بود؛ چرا که براساس فقه فردی، سیاست از دین جدا است و همان اندیشه سکولار توجیه می‌گردد.

۳-۲. عوامل انگیزشی در بعد اقتصادی

احمداسماعیل با سوء استفاده از بحران‌های اقتصادی در کشور عراق و با بهره‌گیری از کمک



مالی، حامیان خود در محور غربی- عربی تلاش کرد تا قشرهای ضعیف جامعه عراق را به سوی خود متمایل کند و در آنان انگیزه لازم برای جذب شدن به این جریان را فراهم آورد. عوامل انگیزشی جریان مدعی یمانی در بعد اقتصادی به شرح زیر است:

۳-۲-۱. کمک به قشرهای ضعیف جامعه عراق

طرفداران احمداسماعیل با استفاده از ضعف اعتقادی و گاه اقتصادی جامعه، در گسترش دایره مریدان او سعی و تلاش در برخی مناطق افراد معتاد و یا فاقد توان مالی را حمایت می‌کنند و با توزیع پول و غذا در میان آن‌ها، بیان می‌دارند که این غذاها از جانب فرزند امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای شما فرستاده شده است و با این اقدامات به تبلیغ این جریان انحرافی می‌پردازند (مرکز مطالعات عراق، ۱۳۹۹: ص ۱۵). جریان مدعی یمانی با به کار بستن شیوه‌های متنوع توانسته است که در دو سطح عوام و خواص جامعه، مخاطبانی را جذب این جریان سازد؛ تا جایی که برخی روحانیان و استادان دانشگاه‌های عراق نیز در این جریان گرفتار شده‌اند. همچنین بیش‌تر افراد جریان مدعی یمانی از معلّمان، استادان آموزشگاه‌ها و دانشجویان کشور عراق هستند. تنها در بخش نظامی جریان مدعی یمانی، داشتن مدرک تحصیلی شرط نیست؛ ولی در سایر بخش‌ها داشتن مدرک، شرط ورود به جریان مدعی یمانی است. برخی شخصیت‌های مهم و سران عشایر در شهرهای ناصریه، حله و بصره که دارای سوابق فعالیت در حزب بعث هستند، با جریان مدعی یمانی در ارتباط هستند (همان، ص ۱۱). به طور معمول گرایش به این جریان از سوی کسانی است که در عین حال که گرایش مذهبی دارند؛ سطح معلومات دینی‌شان ضعیف است. برای نمونه طلبه‌های مبتدی به این جریان بیش‌تر گرایش پیدا کرده‌اند و طیف دیگر از گروندگان به این جریان، افراد کم‌برخوردار و قشر مستضعف هستند که به لحاظ اقتصادی وضعیت مناسبی ندارند. بنابراین، عمده دلیل جذب افراد به این جریان، فقر فرهنگی - فکری - بصیرتی یا فقر اقتصادی است؛ در میان همه این عوامل، بیش از همه فقدان نگرش نظام‌مند به فقه اقتصاد (فقه نظام اقتصادی) بیش‌تر رخ می‌نماید که معلول حاکمیت فقه فردی بر اندیشه علمای حوزه علمیه نجف و سپردن زمام اقتصاد به دست حاکمان دارای تفکر لیبرال است.

ث) عملکرد دیوان اوقاف در عراق

عملکرد دیوان اوقاف در عراق، در استفاده از خودروها و ساختمان‌های گران‌قیمت و فاخر، (با وجود فقر اقتصادی مردم عراق)، سبب بدبینی مردم عراق و گرایش آنان به جریان‌های انحرافی از جمله جریان یمانی شده است؛ چنان‌که خشم مردم بعد از به آتش کشیدن مرقد شهید محراب و یکی از مسئولان دیوان اوقاف و برخی مؤسسات وابسته به دیوان اوقاف آشکار گردید (ر.ک. مرکز مطالعات عراق، ۱۳۹۹: ص ۱۵). عملکرد اشتباه برخی نهادهای حاکمیتی سبب واگرایی مردم از حاکمیت شده و زمینه را برای جذب شدن به گروه‌های انحرافی، به ویژه جریان مدعی یمانی، فراهم می‌سازد. این همه به دلیل فقدان حاکمیت فقه نظام بر نهادهای حاکمیتی در کشور عراق بود.

۳-۲-۲. تأسیس مؤسسات عام المنفعة و مراکز تبلیغ معارف دینی

تأسیس مؤسسات عام المنفعة توسط جریان مدعی یمانی در عراق مانند دارالایتام، دانشگاه، مدارس و کتابخانه، سبب جذب برخی مردم عراق به مدعی یمانی گردید (آرشو تخصصی مرکز تخصصی مهدویت). همچنین تأسیس مراکز تبلیغ معارف دینی توسط مدعی یمانی در عراق مانند مدرسه انصار الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف در نجف اشرف، مَعَهْدُ الدِّرَاسَاتِ الْعُلْيَا الدِّيْنِيَّةِ و اللُّغَوِيَّةِ در نجف اشرف، حوزه علمیه مهدویه و نیز برگزاری مراسم جشن ولادت معصومان عليهم السلام در عراق سبب جذب برخی خواص و طلاب به جریان مدعی یمانی در عراق شده است (کارشناس، ۱۴۰۰: ب: ص ۳۴۱). این مسئله نشانگر گسترش فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی جریان احمداسماعیل برای نفوذ بیش‌تر در میان قشرهای مختلف مردم عراق است.

۴. عوامل گرایشی

مقصود از عوامل گرایشی، عواملی است که سبب گرایش اعتقادی مردم عراق به جریان مدعی یمانی شده است که به شرح زیر است:

۱-۴. اباحه‌گری و مقابله با برخی احکام و الزامات حکومتی

بخشی از پیروان این جریان انحرافی به انگیزه اباحه‌گری، به سوی آن تمایل یافته‌اند؛ چنان



که مبلغان مدعی یمانی گفته‌اند: «احمدالحسن (احمداسماعیل)، حکم وجوب حجاب را برداشته است و لازم نیست زنان حجاب را رعایت کنند» (سایت رسمی دعوت احمد الحسن (وارثین ملکوت)، ۱۳۹۸/۱۲/۲۳). به تازگی این جریان برای جذب حداکثری به برخی از زنان که به احمد اسماعیل ایمان آورده‌اند، دستور داده است که تن به فحشا دهند (ر.ک. مرکز مطالعات عراق، ۱۳۹۹: ص ۱۵). این رذالت‌ها سبب گرایش افراد لابیالی به آن شده است. با توجه به این که حجاب از احکام ضروری دین اسلام و از الزامات حکومتی بر مبنای فقه نظام است؛ عملکرد مدعی یمانی با فقه نظام مغایر است.

۴-۲. تکلیف گریزی

«تکلیف گریزی» از دیگر علل و عوامل گرایش به جریان مدعی یمانی در عراق است که مصادیق آن عبارتند از: حکم به حلیت و اباحه خمس توسط مدعی یمانی، جواز استفاده از اینترنت و اموال مخالفان و نواصب جریان مدعی یمانی که تبیین آن به شرح زیر است:

۴-۳. حلیت و اباحه خمس

به باور احمداسماعیل، هیچ کس - جز امام و کسی که امام به او اذن داده است - حق ندارد، خمس را که مخصوص امام است، دریافت کند. امام نیز به کسی اذن نداده است که خمس را به نیابت از او دریافت کند. از این رو، مدعیان فقاهت، حق ندارند اموال ویژه امام را دریافت کرد و سپس در محلی که از دیدگاه آنان مورد رضایت امام است، مصرف کنند؛ زیرا آنان از امور مورد رضایت امام زمان آگاه نیستند (بصری، ۱۴۳۱ الف: ج ۵، ص ۴۸). این رویکرد احمداسماعیل بیانگر خصومت وی با فقها و علمای دین است.

احمداسماعیل، خمس را به امام و اوصیای امام معصوم (احمداسماعیل و اتباعش) متعلق می‌داند و معتقد است: «آن‌ها این اختیار را دارند که هر طور بخواهند در خمس تصرف کنند... خمس را واجب یا اسقاط کنند (ببخشند)» (سالم، ۱۴۳۱: ص ۹۰۵). این، در حالی است که بر اساس روایات تنها امام معصوم علیه السلام و مجتهد جامع الشرایط، حق تصرف در خمس را دارا است. احمداسماعیل، معتقد است: «برای دعوت الی الله [مقصود دعوت به سوی مدعی یمانی است] و کمک به مؤمنان [ایمان آورندگان به احمداسماعیل] جایز است که انصار



احمداسماعیل در خمس تصرف کنند» (بیانیه احمدالحسن (احمداسماعیل)، شعبان ۱۴۳۳). این بیانیه نشان از تمامیت خواهی جریان احمداسماعیل و تفسیر آموزه‌های دینی بر اساس میل و خواست فرقه‌ای است.

علاء سالم - رئیس دانشگاه جریان مدعی یمان‌ی و صاحب کتاب «رسالة فی فقه الخمس» - با توهین به علما و مراجع تقلید می‌گوید:

فقه‌های ضلالت و گمراهی، اموال آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ [خمس و وجوهات شرعیه] را برای خود حلال کرده‌اند و مصیبت آن‌جا نمایان می‌شود که مشخص شود آن‌ها با امام غایب خود در جنگ هستند؛ زیرا با دعوت امام با فرستادن وصی او و یمان‌ی او یعنی احمدالحسن [احمداسماعیل]، در جنگ هستند و اموال او (خمس و وجوهات شرعیه) را برای خود حلال کردند (سالم، ۱۴۳۱: ص ۹).

این، در حالی است که بر اساس روایات، فقها امانتداران پیامبران محسوب می‌شوند که مجاری امور در عصر غیبت به آنان سپرده شده است. امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام مردم را در حوادث واقعه به فقیهان با شرایط خاصی ارجاع داده و این قضیه از امور قطعی نزد امامیه است؛ چنان که آن حضرت می‌فرماید: «در پیشامدهای اجتماعی به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من خدا خدا بر آنان هستم». از جمله «فَأَنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ» استفاده می‌شود که فقها در همه کارهایی که از شؤون امامت و رهبری جامعه می‌باشد، از طرف امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام منصوبند (کریمی، ۱۳۷۸: ص ۵۴). مراجعه به فقها در مسائل حلال و حرام و تبیین احکام، یکی از مسائل رایج مسلمانان و از بدیهیات اسلام است و علاوه بر آن بر اساس این روایت، در همه مسائل اجتماعی و سیاسی که به مصالح عمومی مسلمانان مربوط است، برای مردم دستور رجوع به علما و فقها صادر شده است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ص ۸۰). بنابراین، یکی از وظایف فقها، اخذ خمس و وجوهات شرعی و مصرف آن در مصالح جامعه اسلامی است.

۱. «وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَارِقَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» (طوسی، ۱۴۲۴: ص ۱۷۷).



۴-۴. حلیت اموال نواصب مهدیین

در دین اسلام هر فردی که شهادتین را اظهار کند، مسلمان است و احکام اسلام بر او بار می‌شود و عرض، خون و مال او محترم است و هیچ دلیلی یارای نقض این قاعده کلی نیست. از دیدگاه فقهای امامیه اموال تمام مسلمانان غیر از ناصبی محترم بوده و محدوده نصب و ناصبی‌گری بر اساس نظر مشهور، تنها شامل ناصب اهل بیت است (زنجانی، ۱۴۱۹: ص ۳۷۸-۳۷۹)؛ ولی احمد اسماعیل بصری با تصرف در مصادیق «اهل بیت»، افزون بر چهارده معصوم، مهدیین و پیروان آن‌ها را در دایره «اهل بیت» وارد کرده و با تصرف در مفهوم ناصبی از دیدگاه مشهور علما، معتقد است که اموال نواصب مهدیین و پیروان ایشان، همچون اموال نواصب اهل بیت علیهم‌السلام احترامی ندارد. به زعم وی، مقصود از ناصبی، دشمن ائمه و یا دشمن مهدیین و پیروان احمد اسماعیل و یاران آن‌ها است. از این‌رو، اموال ناصبی حرمت و احترامی ندارد و می‌توان آن را به طور کامل یا جزئی دزدید؛ به شرط آن که ضرری به طرفداران احمد الحسن نرسد (ر.ک. بصری، ۱۴۳۱ الف: ج ۲، ص ۱۴۱). برای نمونه احمد اسماعیل در پاسخ به این سؤال که «آیا جایز است بیش از مبلغ حمل و نقل کالا از رئیس شرکت پول مطالبه کنم؟»؛ می‌گوید: «اینان، دشمنان و نواصب ائمه و مهدیین هستند و مال آن‌ها احترامی ندارد، هر مقدار که توانستی از مال او تصاحب کن و این کار برای تو جایز است» (همان، ج ۴، ص ۹۹). بر اساس این عبارت، علاوه بر نواصب امامان معصوم علیهم‌السلام نواصب مهدیین، اموالشان فاقد احترام شرعی و تصرف در آن مجاز است.

همچنین احمد اسماعیل در پاسخ به این که آیا استفاده شخصی از اینترنت همسایه یا از مراکز غیر دولتی جایز است، می‌گوید: «اگر صاحب مال (اینترنت) از نواصب ائمه یا مهدیین و یا پیروان ایشان باشد، در این صورت اموال او احترامی ندارد و استفاده از اینترنت او جایز است» (همان، ج ۲، ص ۱۴۱). در این عبارت، احمد اسماعیل، واژه «نواصب مهدیین» و نیز واژه «نَوَاصِبُ شِيعَتِهِمْ» را با حرف عطف «أو» به «نواصب الائمه»، عطف کرده است. حرف «أو» در ادبیات عرب، حرف فصل به شمار می‌آید؛ بدین معنا که هر یک از فصول معطوف، دارای حکم شرعی مستقل است. بر این اساس، علاوه بر نواصب ائمه، نواصب مهدیین و نواصب پیروان مهدیین مشمول حکم شرعی فقدان حرمت اموال خود هستند. بنابراین، اگر مسلمانی، مهدیین



و از جمله احمداسماعیل و پیروان وی را دشنام دهد و لعن کند، اموالش فاقد حرمت است. این، در حالی است که بر اساس آموزه‌های دینی هر گونه تصرف بی‌اذن در اموال دیگری حرام و موجب ضمان است. این، در حالی است که در فقه نظام اقتصادی اسلام، حتی اموال کفار ذمی، محترم است و هیچ کس حق تجاوز به آن را ندارد. بر این اساس، نگرش احمداسماعیل، بر توهم تکلیف برای خویش به منظور نجات مردم عراق از سیطره حوزه علمیه نجف و نظام حاکم بر عراق مبتنی است؛ در حالی که حاکمیت فقه نظام در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در کشور عراق، زمینه جولان این جریان انحرافی را فراهم نمی‌کرد.



نتیجه‌گیری

کشور عراق به دلیل وزن ژئوپلتیک و ظرفیت بالقوه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جایگاه مهمی در منطقه غرب آسیا دارد؛ ولی بحران‌های مختلف از طرح‌های تجزیه تا دخالت مستقیم استعمار انگلیس و سپس امریکا در عراق، سبب بی‌ثباتی و ناپایداری کشور عراق در عرصه بین‌الملل شده است و همین امر موجب پدیدار شدن جریان‌های انحرافی، به ویژه جریان مدعی‌یمانی در عراق شده است. ادعاهای دروغین در باب مهدویت به یک‌باره رخ نمی‌نمایند؛ بلکه زمینه‌های فکری، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی بر پیدایی آن‌ها تأثیرگذار هستند. چالش‌ها، نزاع‌ها و کشمکش‌های سیاسی، قبیله‌ای، عقیدتی و فکری، فقر اقتصادی و فرهنگی، سرخوردگی مردم و نبود انسان‌های روشنگر و راهنما، زمینه را برای جریان مدعی‌یمانی در عراق مساعد کرده است. در این میان، بررسی عوامل زمینه‌ساز پیدایی و گرایش به جریان مدعی‌یمانی از اهمیت بسزایی برخوردار است:

۱. عوامل زمینه‌ساز پیدایی جریان مدعی‌یمانی عبارتند از: نظریه نفی حکومت در عصر غیبت و راه اندازی تشکیلات وسیع در عراق در برابر حکومت اسلامی؛
۲. عوامل انگیزشی گرایش به این جریان عبارتند از: حاکمیت نگرش سکولار در عراق، کمک به قشرهای ضعیف جامعه عراق، فقدان کتاب‌های اندیشه‌ساز و فرهنگ‌ساز در عراق؛
۳. عوامل گرایشی در گرایش به جریان مدعی‌یمانی عبارتند از: اباحه‌گری و مقابله با برخی احکام و الزامات حکومتی؛ تکلیف‌گریزی و نیز تأسیس مؤسسات عام‌المنفعة و مراکز تبلیغ معارف دینی در عراق؛
۴. پیشنهاد ما برای مقابله با جریان مدعی‌یمانی، توجه به فقه نظام سیاسی، فقه نظام اقتصادی، فقه نظام فرهنگ در حوزه علمیه نجف اشرف و گذار از اندیشه فقه فردی به سوی فقه نظام اجتماعی با تمام گرایش‌های آن است.
۵. ایجاد تشکیلات موازی توسط جریان احمداسماعیل، با نظریه فقه نظام مغایر است؛ زیرا تنها نظام پذیرفته شده بر اساس فقه شیعی در عصر غیبت، نظام مبتنی بر حاکمیت ولی فقیه به مثابه نائب امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام و وَجَّهَ الشَّرِيف و حاکم ميسوط‌الید در رأس حکومت است تا مشروعیت سایر قوای حاکم بر جامعه از طریق او، تحقق یابد. از این رو، راه اندازی تشکیلات موازی، جز اختلال

نظام نتیجه‌ای ندارد.

۶. مرز میان تفکر سکولار و فقه نظام، همانا قابلیت جمع میان فقه فردی و تفکر سکولار است؛ چرا که وجه اشتراک این دو، جدایی دین از سیاست است؛ در حالی که در فقه نظام، هیچ دوگانگی میان دین و سیاست وجود ندارد؛ بلکه سیاست جزئی از دین است؛ بر این اساس، تمسک به آرای عمومی مبتنی بر عرف عقلا و سیره عقلا است و با عرفی شدن دین که زاییده حاکمیت نگاه سکولار به دین است، تفاوتی بنیادین دارد. بنابراین، دیدگاه احمد اسماعیل مبنی بر مغایرت رجوع به آرای مردم در انتخابات با حاکمیت الهی وجهی ندارد.



منابع

قرآن کریم.

۱. ابطحی، سید مصطفی و سید علی اصغر ترابی (پاییز ۱۳۹۴). «نقش امریکا در دولت - ملت سازی در افغانستان و عراق جدید»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال ۱۱، شماره ۳۲.
۲. ابن ابی زینب نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبة*، تهران، صدوق.
۳. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). *النهائية فی غریب الحدیث والاثر*، قم، اسماعیلیان.
۴. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی (۱۳۹۴). *تحف العقول*، قم، اسلامی.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۶ق). *التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن*، قم، مؤسسه صاحب الامر عنه السلام و رحمة الشریف.
۶. ابن فارس، محمد بن زکریا (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۷. ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۴۱۸ق). *سنن ابن ماجه*، بیروت، دارالجیل.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر.
۹. اکبری، حسین (۱۳۸۹). *بحران حاکمیت در عراق*، تهران، مؤسسه اندیشه سازان نور.
۱۰. الانصاری، ابومحمد (بی تا). *جامع الادلة*، نجف، انصارالامام المهدی.
۱۱. آرشیو اتاق نقد فرق انحرافی مرکز تخصصی مهدویت.
۱۲. بصری، احمد اسماعیل (۱۴۳۱ب). *العجل*، نجف، انصارالامام المهدی.
۱۳. _____ (۱۴۳۲ق). *بیانیه شعبان ۱۴۳۲*، نجف، انصارالامام المهدی.
۱۴. _____ (۱۴۳۱الف). *الجواب المنیر عبر الاثیر*، نجف، أنصار الإمام المهدی عنه السلام و رحمة الشریف.
۱۵. _____ (۱۴۳۱ج). *المتشابهات*، نجف، أنصار الإمام المهدی عنه السلام و رحمة الشریف.
۱۶. بنک المعلومات الوطنی (۲۰۰۹م). *دراسة تحليلية حول حركات المهدوية*، بغداد، بی نا.
۱۷. ترابی، محمد و دیگران (۱۳۹۳). *شیعیان عراق پس از ۲۰۰۳ میلادی*، قم، مجمع ذخایر اسلامی.
۱۸. الخباز، سیدضیا (۱۴۳۶ق). *احمد اسماعیل لیس من ذریة الامام المهدی عنه السلام و رحمة الشریف*، نجف، مرکز الدراسات التخصصية فی الامام المهدی عنه السلام و رحمة الشریف.
۱۹. خسرو پناه، عبدالحسین (۱۳۸۸). *جریان شناسی فکری ایران معاصر*، قم، مؤسسه فرهنگی

حکمت نوین اسلامی.

۲۰. الخیون، رشید (۲۰۱۲م). *۱۰۰ عام من الإسلام السياسي بالعراق (الشيعة)*، دبی، مرکز المسبار للدراسات و البحوث.
۲۱. ذوالفقار، علی ذوالفقار (۲۰۰۵م). *الحركات المهدوية*، بغداد، مرکز بانقیا للابحاث و الدراسات.
۲۲. زمخشری، محمود بن عمر (۱۹۷۹م). *أساس البلاغة*، بیروت، دار صادر.
۲۳. زنجانی، موسی (۱۴۱۹ق). *کتاب نکاح*، قم، مؤسسه پژوهشی رأی پرواز.
۲۴. الزیادی، حیدر (۱۴۳۱ق). *الیمانی الموعود حجت الله*، نجف، انصارالامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۲۵. سالم، علاء (۱۴۳۱ق). *رسالة فی فقه الخمس*، نجف، انصارالامام المهدی.
۲۶. الشیبی، کامل مصطفی (۱۹۶۳م). *الصلة بین التصوف و التشیع*، بغداد، دارالزهراء عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۲۷. صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*، بیروت، عالم الکتب.
۲۸. صدر، سیدمحمد (۱۴۱۲ق). *موسوعة الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
۲۹. طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۳ق). *دلائل الامامة*، قم، مؤسسه البعثة.
۳۰. عرفان، امیر محسن (۱۳۹۲). *قبیله تزویر*، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *العین*، تهران، هجرت.
۳۲. کارشناس، علی (۱۴۰۰الف). *عراق ۱۴۴۳*، قم، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۳۳. _____ (۱۴۰۰ب). *تحلیل جریان مدعی یمانی*، قم، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۳۴. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۱ق). *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. الکوثرانی العاملی، علی (۱۳۹۱). *دجال البصرة*، قم، باقیات.
۳۶. کریمی، جعفر (۱۳۷۸). *ولایت فقیه*، تهران، اداره آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۳۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۸. مرکز مطالعات عراق (۱۳۹۹). *اطلاعاتی خاص پیرامون جریان مدعی یمانی*، تهران، مرکز العراق للدراسات.



سایت‌ها

۱. سایت رسمی دعوت احمد الحسن (وارثین ملکوت)، «ظلم در حکومت فقیه»، دسترسی در: <https://www.varesin.org>. ۱۳۹۸/۱۲/۲۳.
۲. کرسی آزاد اندیشی «بحران عراق؛ ریشه‌ها و پیامدها» توسط گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دسترسی در: <http://iiict.ac.ir/iraq>، ۲۱ آبان ۱۳۹۸.

